



ظهور بابک زنجانی در صنعت ریلی

شرکت ریلی منتسب به هلدینگ بابک زنجانی به اسم «دات وان» روز گذشته تفاهمنامه‌ای با شرکت راه‌آهن ایران به ارزش ۶۱ همت منعقد کرد.

شرکت راه‌آهن ایران روز گذشته در حضور فرزانه صادق‌مال‌واجد، وزیر راه و شهرسازی، با شرکت آوان ریل شرکت ریلی هلدینگ «دات وان» منتسب به بابک زنجانی، تفاهمنامه‌ای به ارزش ۶۱ همت برای خرید و تولید ۳۰۰ دستگاه مسافری خودکشی دیزلی، ۵۰ لوکوموتیو باری و ۶۰۰ دستگاه واگن باری مخزن‌دار منعقد کرد.

در اصل این قرارداد با شرکت آوان ریل منعقد شده که این شرکت متعلق به هلدینگ منتسب به بابک زنجانی است. شرکت مذکور در آذرماه سال گذشته یعنی حدود چهارماه پیش تاسیس شده و اکنون به عنوان بزرگترین سرمایه‌گذاری در این حوزه شناخته می‌شود. مهدی ابراهیمی، مدیرعامل شرکت حمل و نقل ریلی وابسته به هلدینگ دات وان، پس از امضای تفاهمنامه در جمع خبرنگاران گفت: تفاهمنامه مذکور با سرمایه خارجی و در چارچوب سرمایه‌گذاری خارجی بسته شد. بابک زنجانی در هلدینگ دات وان حضور ندارد، اما سرمایه‌های او در خارج از ایران توسط شرکت‌هایی که او پیش‌تر با آنها کار می‌کرد به ایران منتقل شده‌اند.

پرسش مهم اینجااست یک هلدینگ تازه‌تاسیس چگونه توانسته چنین قراردادی را به امضا برساند که ابراهیمی در ادامه اظهاراتش اشاره کرد: سرمایه موجود از شرکت‌هایی به‌دست‌آمده که باب‌زنجانی فعالیت می‌کنند. این موضوع بدان معناست که شاید سرمایه نام‌برده، همان پول نفتی باشد که بابک‌زنجانی از کشور برده بود!

نکته قابل توجه اینجااست که بابک زنجانی نیز با انتشار توثیقی در شبکه ایکس این خبر را تایید کرد و نوشت: بزرگترین سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در تاریخ راه‌آهن ایران؛ اقتصاد کشور را به ریل خواهیم انداخت؛ سالی که قدرت اقتصادی جایگزین قدرت سیاسی خواهد شد. البته وی پیش از این نیز در صفحه‌های مجازی خود از آغازفعالیتش خبر داده بود. مشخص نیست که پس از گذران یک دهه

محکومیت بابک زنجانی اکنون در محکومیت و حبس به سر می‌برد یا اینکه از آزادی مشروط خود استفاده کرده است؛ اما زندان و محکومیت نیز نتوانسته دست بابک زنجانی را از سرمایه‌گذاری کوتاه کند.

غلامحسین محسنی‌اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه، آخرین روز بهمن‌ماه سال ۱۴۰۲ گفته بود: اموال بابک زنجانی در خارج از کشور شناسایی و به تهران منتقل شد و بنا بر کارشناسی‌های اولیه صورت‌گرفته، این اموال کفاف بدهی‌ها و خسارت‌های او را می‌دهد.

همچنین رسول گوهپایه‌زاده، وکیل بابک زنجانی، در اردیبهشت سال ۱۴۰۳، از امکان بهره‌مندی زنجانی از آزادی مشروط خبر داد و گفت: اموال مربوطه به کشور برگردانده و بدهی تسویه شده است و مجازات وی به ۲۰ سال حبس تقلیل یافت. سرمایه‌گذاری بابک زنجانی تنها به قرارداد با راه‌آهن ختم نمی‌شود، بلکه وی در زمینه‌های حمل و نقل هوایی و جاده‌ای نیز فعالیت دارد. بابک زنجانی چند روز پیش در صفحه خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: ۳۲ فروند هواپیمای مسافربری متعلق به شرکت دات وان ایر به‌زودی در آسمان ایران به پرواز درمی‌آیند، همچنین این هلدینگ در زمینه‌واردات تاکسی برقی نیز فعالیت خواهد کرد. در سال ۲۰۱۲ بابک زنجانی به‌عنوان ثروتمندترین ایرانی معرفی شد. اما فعالیت‌های اقتصادی او با اتهامات و اتهامات بسیاری همراه بود. در تاریخ ۹ دی ۱۳۹۲، دادستان کل کشور او را به دلیل بدهی کلان‌یادداشت کرد. یکی از اصلی‌ترین اتهامات بابک زنجانی، بدهی سنگینی بود که به وزارت نفت و بانک مرکزی ایران داشت؛ رقمی بیش از دو و نیم میلیارد یورو که از محل سپرده‌های بانک مالزی متعلق به وی ایجاد شده بود. این بدهی پنج ماه زودتر از موعد مقرر، یعنی پیش از سررسید پرداخت، و هم‌زمان با تغییر دولت، مورد پیگیری قرار گرفت و سرانجام زنجانی بازداشت شد. وی متهم است که اخلال گسترده‌ای در نظام اقتصادی کشور ایجاد کرده است. بابک زنجانی با جابه‌جایی حدود ۸۷ میلیارد یورو از وجوه مسدودشده ایران و همکاری با بانک مرکزی و وزارت نفت، نقش مهمی در تسهیل دور زدن تحریم‌ها ایفا کرد. همچنین او در ورود ۲۲ فروند هواپیما به ایران و پرداخت بیش از ۲/۵ میلیارد یورو در قالب ۳۶ هزار حواله مالی مشارکت داشته است.

عکس: ایرنا

اقتصاد

ECONOMY

گزارش انرژی



گرداب بی‌آبی زاینده‌رود

اراضی تحت کشت و سطح زیر کشت زاینده‌رود دو تاسه برابر افزایش یافته بدون اینکه حقابه‌ها بازنگری شوند



رقیه ندایی

خبرنگار اقتصادی

هر روز میزان ذخایر آبی کاهش می‌یابد و همین مسئله آب را به مهمترین و اساسی‌ترین مشکلات این روزها تبدیل کرده است. سال‌های گذشته تنها شهرهای صنعتی و خشک مشکل کمبود آب داشتند اما در سال جاری این کمبود آب عمیق شده و به مسئله ملی و فوری تبدیل شده است.

در همین راستا شنبه‌شب دومین جلسه گفت‌وگوهای آب با حضور مجید سیاری، کارشناس ارشد مدیریت منابع آب، مهدی قمشی، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران از استان خوزستان، سیدطاهر نوربخش چلوانی، عضو سابق شورای هماهنگی مدیریت یکپارچه حوضه زاینده‌رود از استان چهارمحال و بختیاری، حمیدرضا صفوی، عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی اصفهان، محمدمهدی جوادیان‌زاده، رئیس سازمان توسعه و بهره‌برداری فناوری‌های نوین آب جوی و مدیرعامل سابق شرکت آب از استان یزد برگزار شد و هر یک از این افراد به بررسی معضل آب در استان‌های مذکور و کل کشور پرداختند و در نهایت راه‌حل‌هایی برای این شرایط مطرح کردند.

ظرفیت آبی پاسخگوی کشور نیست

مجید سیاری، کارشناس ارشد مدیریت منابع آب گفت: بحث را از کلیات آغاز کنم. فرض بفرمایید در شهری مثل تهران به این نتیجه برسیم که برای تأمین آب شرب شهروندان، بخش کشاورزی را موقتاً تعطیل کنیم. در این شرایط، حتماً باید به معیشت کشاورزان هم فکر کنیم و برای آن راه‌حل‌هایی بیاندیشیم. اما در مورد آب شرب نمی‌توان به مردم شهر گفت که شما چند روز بدون آب بمانید و در عوض خسارت بگیرید. این راهکار عملی نیست.

وی ادامه داد: منظور من این نیست که مثل کمیته امداد بیاییم و دائماً حمایت کنیم، بلکه باید به حمایت مؤثر و حساب‌شده ذی‌نفعان منابع آب فکر کنیم. هر کدام از این ذی‌نفعان شرایط و مسائل خاص خود را دارند و نسخه واحدی نمی‌توان برای همه پیچید. مثلاً راه‌حلی که برای کشاورزان یک استان کارآمد است، ممکن است برای صنعت یا شرب در منطقه‌ای دیگر جواب ندهد. این کارشناس حوزه آب اظهار داشت: راهکار اصلی این است که از ریشه‌های مشترک آغاز کنیم و نقاط افتراق را شناسایی کنیم. اگر جدول و دستبندی داشته باشیم، خاسته‌های گروه‌های مختلف را بنویسیم و دلایل و آثار آن‌ها را تحلیل کنیم، متوجه می‌شویم که این گروه‌ها ممکن است حتی از لحاظ قومی یا زبانی هم تفاوت‌هایی داشته باشند که بر همکاری یا تعارض‌شان مؤثر باشد. باید تمام این عوامل را در تصمیم‌گیری در نظر بگیریم. در نهایت، هیچ راه‌حلی کاملاً مطلوب همه طرف‌ها نیست. باید عدالت و مصالح جمعی را بر منافع فردی ترجیح دهیم و با تعدیل انتظارات گروه‌ها، به یک راه‌حل میانه برسیم تا همه حاضر به همکاری شوند.

سیاری توضیح داد: گاهی در جلسات استانی و منطقه‌ای راه‌حل‌هایی ارائه می‌شود که بیشتر مناسب دیگر استان‌هاست و هر کسی برای منطقه خودش نسخه خاصی می‌پیچد. اما باید صادقانه بگویم که ما باید نسبت به همه استان‌ها دغدغه داشته باشیم. اگر نگران آب شرب زابل یا پرتی شبکه یزد هستیم، همان قدر باید به وضعیت آب اصفهان یا خوزستان توجه کنیم. نسخه کلی یا واحد امکان‌پذیر نیست.

وی تشریح کرد: باید اعتراف کنیم که ظرفیت آبی کشور پاسخگوی جمعیت فعلی نیست؛ در حالی که منابع ما برای ۳۵ تا ۴۰ میلیون نفر کافی است، اما جمعیت کشورمان ۸۰ میلیون نفر است. حالا نمی‌توانیم جمعیت را کاهش دهیم، پس باید به فکر راهکار اساسی برای مدیریت موجود باشیم. مثلاً در بحث فضای سبز تهران اگر ۴۲ هزار هکتار فضای سبز ایجاد شده، باید روی مصرف بهینه آب، اصلاح شبکه‌ها و تغییر نوع

محصولات کشاورزی بر کاشت گیاهان کم‌آب‌بر تأکید کنیم. در استان‌هایی مثل اصفهان باید سطح زیر کشت افزایش یابد اما استفاده از منابع آب به سمت گلخانه‌ای شدن پیش برود تا مصرف آب کاهش یابد. این روند تدریجی است و یک‌شبه رخ نمی‌دهد. برنامه‌ریزی، هماهنگی و همدلی می‌خواهد. سیاری در نهایت گفت: مهم‌ترین نتیجه‌ای که می‌گیریم این است که موضوع آب تنها با نگاه ملی و گفت‌وگوی مستمر قابل حل است. باید به دور از نگاه‌های محلی و سازمانی فقط برای رشد و سعادت مردم کشور برنامه‌ریزی کنیم. اگرچه اختلاف‌نظر در جزئیات هست و هرکس بر اساس مطالعاتش نظری دارد؛ اما همین بحث‌های کارشناسی است که دانش و عملکردهای جمعی‌مان را غنی‌تر می‌کند و نهایتاً منافع عمومی را تأمین خواهد کرد. از همه همکاران و دوستان برای مشارکت در این مباحث و افزودن به فهم ملی در زمینه منابع آب واقعاً تشکر می‌کنم.

بحران آب زاینده‌رود

حمیدرضا صفوی، عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی اصفهان با اشاره به مشکلات آب گفت: ما به عنوان متخصص، وظیفه داریم دیدگاه‌هایی جامع داشته باشیم و فقط محدود به نگاه‌های استانی یا قومیتی نباشیم. باید فراتر فکر کنیم، چراکه صحبت‌های ما بعدها منبع تصمیم‌گیری قرار می‌گیرد و اهمیت آن چندبرابر می‌شود.

وی ادامه داد: واقعیت این است که اگر شما مثلاً پیشنهاد کنید که با حوزه‌های مشاوره یا حوزه کارون هم گفت‌وگو کنیم، نتیجه تا حدی متفاوت خواهد بود و لازم است مباحث را به شکل تخصصی‌تر و منطقه‌ای‌هم پیش ببریم. برای نمونه، احتمالاً در جلسات بعد به شکل جزئی‌تر به حوزه کارون می‌پردازیم و آقای دکتر قطعاً اطلاعات بسیار جامعی درباره منابع و مصارف، کیفیت آب و نیازهای محیط زیستی این حوزه می‌توانند ارائه کنند.

ایسن فعال حوزه آب توضیح داد: اگر به جدول معروف منابع و مصارف حوضه زاینده‌رود و مصوبات شورای عالی آب نگاه کنید، متوجه خواهید شد که مثلاً در آخرین مصوبه، برای محیط زیست ۱۷۶ میلیون مترمکعب نیاز مشخص شده اما سهم واقعی در جدول به ۴۱۹ میلیون و حتی در دوره‌هایی به ۶۵۵ میلیون مترمکعب هم رسیده است. این موضوع نشان‌دهنده فشار بالا بر منابع آبی این حوضه است. طبق مصوبه، کل آبی که بدون آورد منابع جدید و بدون تخفیف وارد این حوضه می‌شود، ۸۴۵ میلیون مترمکعب از طریق رژیم طبیعی و ۲۹۳ میلیون مترمکعب از سایر منابع است که مجموعاً می‌شود حدود ۱۱۳۸ میلیون مترمکعب. تونل‌های انتقال آب مثل تونل اول و دوم کوهرنگ، چشمه‌لنگان، بهشت‌آباد هم باید سالانه مقداری آب اضافه کنند، اما متأسفانه هنوز برخی از آن‌ها به طور کامل به بهره‌برداری نرسیده‌اند و واقعیت این است که بسیاری از این اعداد، محقق نمی‌شود.

وی اظهار کرد: اگر همه منابع مصوب را هم حساب کنیم و فرض کنیم همه پروژه‌های انتقال عملیاتی شوند، نهایتاً باید حدود ۱۸۶۲ میلیون مترمکعب آب وارد حوضه شود. اما واقعیت میدانی چیز دیگری است. طبق جدول شورای عالی آب، در حالت ایده‌آل روی کاغذ ممکن است با کمبود ۴۰۰ میلیون مترمکعب مواجه باشیم، اما وقتی عملیاتی نگاه می‌کنیم و به برداشت‌های غیرمجاز توجه داریم، کمبود به مراتب بیشتر است؛ در حد ۷۰۰ میلیون مترمکعب.

صفوی تشریح کرد: برداشت‌های غیرمجاز در بالادست عامل اصلی مشکلات فعلی است. گزارش‌های مهندسی مشاور هم این موضوع را تأیید می‌کنند؛ روی کاغذ پنجاه میلیون مترمکعب به عنوان برداشت پیش‌بینی شده اما در واقعیت، برداشت‌ها خیلی بیشتر است. بسیاری از اوقات پمپ‌های سیار شبانه زمین‌ها را آبیاری می‌کنند و همین باعث می‌شود تلفات و اصطلاحاً «گم‌شدن آب» افزایش پیدا کند و نهایتاً آب کمتری به پایین‌دست برسد. در بازدیدهای میدانی هم دیده‌ایم که زمین‌های بالادست که حتی خریداری شده‌اند، سطح زیر کشت خود را افزایش داده و محصولات آب‌بر و جدید مثل پیاز و چغندر را جایگزین کرده‌اند. ضمن اینکه برق و آب برای کشاورزان بالادست تقریباً رایگان بوده

و همین امر انگیزه زیادی برای توسعه کشاورزی غیرمجاز و حتی ساخت ویلاهای لوکس ایجاد کرده است.

صفوی در خصوص راهکارهای پیش رو گفت: راهکار اصلی، تدوین مقررات اجرایی دقیق برای برداشت منابع آب و جلوگیری جدی از برداشت‌های غیرمجاز است. باید از منظر علمی و کارشناسی، شبکه نظارت بر مصرف در کل حوزه تقویت شود. همچنین نیازمند هماهنگی میان استان‌های مرتبط هستیم، تا هر یک به سهم خود در مدیریت بحران شریک باشند. در عین حال، ارائه سیاست‌های تشویقی برای بهره‌وری بیشتر کشاورزی، ایجاد الگوهای کشت کم‌مصرف و اصلاح فرهنگ مصرف اهمیت ویژه‌ای دارد. این موضوع به برنامه‌ریزی ملی و اراده اجرایی نیاز دارد و بدون همکاری و گفت‌وگوی مستمر میان همه ذینفعان ممکن نخواهد بود.

کلید حل بحران آب

مهدی قمشی، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران گفت: ورود به حل معضل آب باید از مسائل کلیدی و پایه‌ای آغاز شود. اگر صرفاً بحث را محدود به انتقال آب از حوزه‌ای به حوزه‌ای دیگر یا تمرکز روی مشکل زاینده‌رود کنیم، احتمالاً هیچگاه به اجماع و همگرایی ملی و بین متخصصان نمی‌رسیم و در نهایت راهکارهای مورد اتفاق هم حاصل نخواهد شد. مسئله اساسی این است که نخست سطح دانش عمومی و تخصصی درباره پایه‌های مسئله بالا برود؛ آنگاه روند دستیابی به همگرایی و اتخاذ تصمیمات مشترک، بسیار راحت‌تر و منطقی‌تر خواهد بود.

وی ادامه داد: اساسی‌ترین مشکل کشور کمبود آب است و این کمبود هم دلایل ساختاری دارد. جغرافیای ایران، کشور را در منطقه‌ای خشک قرار داده است که میانگین بارش‌های سالانه‌اش حتی به ۳۰ درصد متوسط جهانی هم نمی‌رسد! در گذشته متوسط بارندگی سالانه کشور ۲۵۵ میلی‌متر اعلام می‌شد، ولی الان این رقم به حدود ۲۲۵ میلی‌متر کاهش یافته است. در مقابل، متوسط جهانی بارش حدود ۷۶۰ میلی‌متر است. این افت شدید نه‌تنها نتیجه تغییرات اقلیمی و خشکسالی‌های پی در پی است، بلکه نشان می‌دهد ذاتاً ایران کشور کم‌آبی است.

این استاد دانشگاه اظهار کرد: هم‌زمان، جمعیت کشور به‌طور گسترده افزایش داشته و توسعه اقتصادی و شهری هم شتاب گرفته است. زمانی سرانه آب تجدیدپذیر برای هر ایرانی نزدیک به ۳۰ هزار مترمکعب بود. حالا این عدد به کمتر از ۱۲۰۰ مترمکعب رسیده و بر اساس شاخص‌های بین‌المللی، کشوری که سرانه آب تجدیدپذیرش کمتر از ۱۷۰۰ مترمکعب باشد، با بحران آب مواجه است. واضح است که منابع آبی موجود، پاسخگوی جمعیت و الگوی مصرف فعلی نیست. قمشی توضیح داد: بزرگ‌ترین ضعف ما نبود حکمرانی و راهبرد درست است. کشورهای خشک‌تری مانند امارات و قطر با وجود چالش‌های شدید، به واسطه سیاست‌گذاری و حکمرانی علمی و پایدار، توانسته‌اند با وجود ضعف منابع، توسعه و معیشت مردم‌شان را تضمین کنند اما ما به جای مدیریت مصرف و افزایش بهره‌وری، بار را بر دوش منابع آبی گذاشته‌ایم و فشار را افزون کردیم. طرح‌های بزرگی نظیر انتقال آب میان حوزه‌ای هم اغلب بدون رعایت اصول کارشناسی کلان یا حتی مشارکت مردمی و جلب رضایت ذینفعان انجام شد. این مشکلات همچنان پابرجاست و متأسفانه توجه کافی به استفاده بهینه، تنوع‌بخشی به منابع یا حتی بازچرخانی و مشارکت اجتماعی دیده نمی‌شود. این فعال حوزه آب تشریح کرد: ایران اکنون جزو ۱۲ کشور نخست جهان از نظر حجم طرح‌های انتقال آب به‌شمار می‌رود. بررسی تجارب جهانی نشان می‌دهد اکثر این پروژه‌ها چون به فوایدی مانند اثبات وجود آب مازاد در حوزه مبدأ، تضمین عدم آسیب به محیط زیست و توافق و مشارکت کامل ذینفعان بی‌توجه بوده‌اند، شکست خورده‌اند. در ایران نیز کمتر به این توصیه‌ها توجه شده و طرح‌های انتقال، نه‌تنها مسئله کم‌آبی مقصد را حل نکرده بلکه موجب تشدید مشکلات زیست‌محیطی، اجتماعی و حتی مناقشات منطقه‌ای شده است.

این فعال حوزه آب تأکید کرد: مهم‌ترین پیامد، زیرپا گذاشتن حقابه اکولوژیکی حوزه‌ها و ایجاد تنش‌های اجتماعی و زیست‌محیطی است. ما سالانه حجمی معادل بیش از یک میلیارد مترمکعب آب به حوضه زاینده‌رود منتقل کرده‌ایم، ولی عملاً معضلاتی مانند خشک شدن گاوخونی یا حل بحران آب اصفهان برطرف نشده‌است. دلیل ساده آن هم این است که با انتقال آب، عملاً فقط تقاضا را افزایش می‌دهیم؛ یعنی به‌جای اصلاح ساختار بهره‌برداری، فقط واردکننده آب و بحران‌های حاشیه‌ای می‌شویم.

وی در خصوص راه‌حل‌های اصلاح شرایط فعلی گفت: اولویت نخست تغییر نگرش از «برون‌حوزه‌ای» به اصلاح مدیریت مسائل درون هر حوضه آبریز است. باید انتقال آب بین‌حوزه‌ای متوقف شود، چراکه تجربه ثابت کرده این سیاست تنها بحران را به تعویق می‌اندازد و حل نمی‌کند. نباید فراموش کرد که طبق استانداردهای جهانی حداکثر چهل درصد منابع آب تجدیدپذیر باید مورد استفاده قرار گیرد و شصت درصد باید برای پشتیبانی از اکوسیستم حفظ شود. در ایران اما میزان برداشت تا ۹۰ درصد بوده که این فاجعه‌برانگیز است. نتیجه این سیاست، نابودی ۶۰ درصد تالاب‌ها و افت شدید سطح آب‌های زیرزمینی است. باید مقررات دقیق، شفافیت کامل در اجرای طرح‌ها، تقویت نظارت و مشارکت فعالانه ذینفعان در تصمیم‌گیری‌ها را در دستور کار قرار داد. توجه به عدالت اکولوژیک، توقف توسعه